

فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۱، شماره ۱، بهار ۱۳۸۷، صفحات ۱۵۱-۱۷۱

## بررسی تأثیر نگرش مردان بر ایجاد گروه‌های مستقل زنان روستایی مطالعه موردی استان آذربایجان شرقی

فتانه حاجیلو، فضیله خانی\*

تاریخ دریافت: ۱۳۸۶/۱۲/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۸۷/۳/۶

### چکیده

انجام فعالیت‌های مشارکتی و حضور اجتماعی فعال‌تر زنان در فرآیند توسعه یکی از رهیافت‌های مورد تأکید در پارادایم مشارکتی توسعه است، اما «گروه هدف» قرار دادن زنان بدون توجه به موقعیت مردان و متقاعد کردن آنان به همراهی با زنان نمی‌تواند موفقیت لازم را در پی داشته باشد. تلقی مردان از وظایف و نقش‌های زنان در زندگی معیار مهمی برای حضور اجتماعی و انجام فعالیت‌های آنان به شمار می‌رود. لذا دستیابی به توسعه‌ای که در همه ساختارهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی جریان داشته باشد، نیاز به تغییر ذهنیت‌ها و سیاست‌های معطوف به روابط جنسیتی و بازسازی ساختارها بر این اساس دارد.

در این مقاله، با توجه به نتایج پژوهش میدانی در روستاهای ۶ شهرستان واقع در استان آذربایجان شرقی جهت بررسی عوامل مؤثر بر موفقیت تسهیلگران در ایجاد گروه‌های مستقل زنان، تأثیر نظر مردان بر ایجاد چنین گروه‌هایی بررسی می‌شود؛ این پژوهش با تکمیل پرسشنامه تهیه شده توسط محقق و با انجام مصاحبه رودررو با پاسخگویان صورت گرفته است. روایی پرسشنامه صوری و پایایی مقیاس اصلی با استفاده از آماره آلفای کرونباخ ۰/۸۸

---

\* به ترتیب: پژوهشگر جامعه‌شناسی روستایی مؤسسه تحقیقات اجتماعی دانشگاه تبریز (fhajiloo@yahoo.com) و عضو هیئت علمی دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران.

محاسبه شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که از میان عوامل مورد بررسی، بین نظر مردان در خصوص نقش زنان در زندگی، موافقت آنان با شرکت زنان در جلسات زنانه و نظر مردان در خصوص زمینه‌های مناسب برای فعالیت زنان با ایجاد و تداوم فعالیت گروه‌های مستقل زنان روستایی رابطه مستقیم وجود دارد.

*کلیدواژه‌ها: زنان روستایی / مشارکت روستایی / تسهیلگران / جنسیت / مطالعه موردی / آذربایجان شرقی (استان).*

\* \* \*

#### مقدمه

از بعد فلسفی، توسعه توالی پیش‌رونده‌ای از دگرگونی‌های یک پدیده است که دارای نظم و طرح پیوسته‌ای می‌باشد و از نظر عینی و کاربردی در هر زمان از طریق تحول و تکامل با تعریف حدود و ملاک‌هایی تعیین می‌شود.

هر یک از علمای علوم اجتماعی به جنبه خاصی از توسعه توجه کرده‌اند، مثلاً جامعه‌شناسان به دگرگون شدن و متمایز شدن و پدید آمدن ساخت‌های نو در جامعه توجه دارند و اقتصاددانان به کاربرد فناوری توسط انسان برای نظارت بر منابع به منظور افزایش بازده سرانه اهمیت می‌دهند.

مباحث توسعه از نیمه دوم قرن بیستم به طور جدی مورد بحث قرار گرفته است و از آن زمان تاکنون ایده‌های مختلفی در قالب‌های گوناگون نظیر رشد اقتصادی، افزایش درآمد سرانه، مبارزه با فقر، رشد به همراه برابری، حرکت به سمت بازارهای آزاد و توسعه مشارکتی مطرح شده و به عنوان الگوی عملی توسعه در کشورهای مختلف به اجرا درآمده است. اما امروزه در اغلب نقاط جهان، توسعه بر مبنای حرکت به سوی یک جامعه مدنی که مشارکت مردم در پروژه‌های آن یک اصل اساسی است، تعریف می‌شود و بر این اساس، توجه به منابع انسانی در مرکز برنامه‌های آن قرار دارد.

در مسیر توسعه انسانی، راهبردهای متفاوتی برای حضور و برخورداری زنان از منافع توسعه در قالب نظریات متعدد و از دیدگاه‌های مختلف مانند «زنان و توسعه»<sup>(۱)</sup>،

«زنان در توسعه»<sup>(۲)</sup>، «جنسیت در توسعه»<sup>(۳)</sup> ارائه شده که آخرین و جدیدترین آنها بر توانمندسازی زنان برای مشارکت در فرآیند توسعه تکیه دارد. توانمندسازی زنان از جمله رهیافت‌هایی است که برای القای قابلیت آنان در جهت تغییر ساختارها از سوی قریب به اتفاق صاحب‌نظران توسعه مورد پذیرش قرار گرفته است.

به‌کارگیری اصطلاح توسعه مشارکتی به دهه ۱۹۵۰ و کارهای مجید رهنما باز می‌گردد. پس از او اشاره خاص به این مفهوم از سوی پائولو فریر مطرح شد. او معتقد بود «زمانی که گروه برای توسعه اجتماعی به سمت مشارکت در تصمیم‌سازی حرکت کند تاریخ و فرآیند توسعه آغاز می‌شود» (Botchway, 2001: 136).

براساس این رویکرد، در جوامع روستایی، مشارکت روستاییان در گروه‌هایی که به مشکل‌یابی و گره‌گشایی در روستا می‌پردازند، رهیافت مناسبی در توسعه روستایی است، زیرا حرکت گروهی در بطن اجتماعات روستایی و محلی به تصمیمات آنها عینیت می‌بخشد. در این میان، مسئله مشارکت زنان به عنوان نیمی از جامعه روستایی، به ویژه با توجه به تعدد نقش‌ها و شبکه گسترده ایفای آن نقش‌ها، اهمیت خاصی دارد. منظور از مشارکت فعال، نافذ بودن زنان در تمام مسائل روستا از جمله در فرآیند تصمیم‌گیری، ایجاد تشکیلات، انجمن‌ها و تصدی برنامه‌ها و مناصب است (صفری شالی، ۱۳۸۱: ۱۱۷). این مسئله تحت تأثیر عوامل متعددی نظیر ویژگی‌های فردی و شخصیتی، بافت فرهنگی و اجتماعی روستا است که اغلب محدودیت‌هایی را برای مشارکت فعال زنان ایجاد می‌کند. از جمله مهم‌ترین عوامل فرهنگی و اجتماعی نگرش مردان روستایی به نقش و وظیفه‌ای است که زنان بر عهده دارند.

کلیشه حاکم بر افکار مردان در خصوص نقش مادری و همسری زنان به ویژه در محیط روستایی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر فعالیت‌های مشارکتی و اجتماعی زنان است، زیرا در فرهنگ سنتی روستا اجازه و موافقت مردان برای انجام هرگونه فعالیتی توسط زنان ضروری است. از این رو، هرچند زنان در سه نظام بازتولید زیست‌شناختی، بازتولید اجتماعی و بازتولید نیروی کار در روستا نقش اساسی ایفا

می‌کنند، اما نظام موجود بر پایه روابط و کلیشه‌های جنسیتی در روستا همواره آنان را به حاشیه می‌راند و نابرابری‌های جنسیتی را تقویت می‌کند. فرودستی زنان با محدودیت‌های آنان در کنترل منابع و دسترسی به اطلاعات دوام و قوام پیدا می‌کند و موجب می‌شود تا آنان از مشارکت فعال و پویا در فرآیند توسعه باز بمانند.

پذیرفتن زنان به عنوان کانون زندگی در روابط درونی خانواده، پذیرفتن نقش‌های منحصر به فرد و مستقل از مردان، و اعتقاد به نقش متمم و مکمل آنان در معیشت و تولید، پشتوانه مناسبی برای فروریختن کلیشه‌های جنسیتی موجود و ارتقای جایگاه و منزلت اجتماعی زنان در فضای فرهنگی و اجتماعی روستا است.

مقاله حاضر با استناد به نتایج یک تحقیق میدانی در آذربایجان شرقی سعی در تبیین این مسئله دارد.

### اهداف و فرضیه‌ها

این مقاله با هدف شناخت تأثیر دیدگاه مردان روستایی بر انجام فعالیت‌های مشارکتی و اجتماعی زنان روستایی فرضیه‌های زیر را بررسی می‌کند:

- ۱- نظر مردان روستایی در خصوص وظایف زنان در زندگی بر ایجاد گروه‌ها و انجام فعالیت‌های مشارکتی زنان تأثیر می‌گذارد.
- ۲- نظر مردان روستایی در خصوص نقش زنان در زندگی بر ایجاد گروه‌ها و انجام فعالیت‌های مشارکتی زنان مؤثر است.
- ۳- میزان رضایت مردان از شرکت زنان در جلسات عمومی روستا با ایجاد گروه‌ها و انجام فعالیت‌های مشارکتی زنان رابطه دارد.
- ۴- نظر مردان در خصوص زمینه‌های مناسب فعالیت زنان بر ایجاد گروه‌ها و انجام فعالیت‌های مشارکتی زنان تأثیرگذار است.
- ۵- موافقت مردان با حضور زنان در جلسات مخصوص زنان با ایجاد گروه‌ها و انجام فعالیت‌های مشارکتی زنان رابطه دارد.

### تعریف مفاهیم

- جنسیت: اگرچه این کلمه غالباً مترادف جنس تلقی شده و به کار گرفته می‌شود، ولی این دو معانی متفاوتی دارند. امور جنسی به تفاوت‌های زیستی (بیولوژیک و فیزیولوژیک) مردان و زنان باز می‌گردد که از بدو تولد در آنان وجود دارد، درحالی‌که جنسیت ویژگی اجتماعی زنانه و مردانه شدن یا بودن است، یعنی هویت اجتماعی زنان و مردان جنسیت را شکل می‌دهد.
- روابط جنسیتی: نوعی روابط که از بعد اجتماعی بین زنان و مردان شکل می‌گیرد و با سیاست‌هایی که روابط قدرت بین زنان و مردان را تعیین می‌کند، نهادینه می‌شود. روابط جنسیتی مبتنی بر این واقعیت است که زنان و مردان دوره‌ها و تجارب متفاوتی در زندگی دارند (خانی، ۱۳۸۵: ۲).
- نقش‌های جنسیتی: وظایف خانگی و انواع اشتغالاتی که به طور اجتماعی برای زنان مورد تأیید قرار می‌گیرد، بر اساس رفتارهای آموخته شده برای ایفای نقشی است که برعهده دارند. در هر نقطه‌ای از زمین، نقش‌های جنسیتی از طریق تفاوت‌های مبتنی بر طبقه، نژاد، قومیت، مذهب و سن متغیر است، لذا وظایف زنان و مردان غیر قابل تغییر نیست و اگر چه به نوعی نهادینه شده است، می‌تواند در انطباق با شرایط اجتماعی نوین تغییر یابد.
- کلیشه‌های جنسیتی: ساختارهای تعریف شده نقش، سلسله روابط اجتماعی و نحوه تقسیم قدرت بین زنان و مردان در جوامع مختلف منجر به ایجاد کلیشه‌های جنسیتی می‌شود. در حقیقت، زمانی که نقش‌ها و روابط جنسیتی به شکلی نهادینه می‌شوند که به تصورات متحجر در باره زنان و مردان تبدیل می‌گردند، کلیشه‌های جنسیتی نامیده می‌شوند. این کلیشه‌ها بر اثر روابط اجتماعی در طبقات و فرهنگ‌های مختلف به اشکال متفاوتی مشاهده می‌شوند.

### مبانی نظری پژوهش

الگوهای رفتاری در هر جامعه‌ای، روابط قابل پیش‌بینی و معینی را فراهم می‌سازد تا در قالب آن، روابط متقابل افراد قابل فهم شود. آنچه این الگوهای رفتاری را معین می‌کند، موقعیت و جایگاه افراد است که منزلت نامیده می‌شود. افراد منزلت خود را بر اساس نقشی که در جامعه می‌پذیرند می‌یابند و بر همان اساس وظایفی را نیز متقبل می‌شوند. بنابراین، نقش، منزلت و وظیفه مفاهیم متمایزی هستند که رابطه‌ای تنگاتنگ با هم دارند. «نقش شامل نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتاری است که از سوی جامعه به فردی اعطا می‌شود که منزلتی را اشغال می‌کند» (کوزر و روزنبرگ، ۱۳۷۸: ۲۷۱).

در همه جای دنیا، زنان و مردان با انجام وظایف عمومی و خانگی، نقش‌های مختلفی ایفا می‌کنند. در یک جامعه مردسالار، زن در سپهر خصوصی حضور دارد و وظایف او محدود به فضای درونی خانه و خانواده است، اما تعریف این فضای درونی و سپهر خصوصی در فرهنگ‌های مختلف به صورت‌های گوناگون جلوه می‌کند و تکلیف وظایف و محدوده‌ها بر اساس سنت‌ها و آداب و رسوم، مذهب یا حتی چرخه زندگی افراد مشخص می‌شود (حاجیلو، ۱۳۸۴: ۴۵).

روابط و حقوق بهره‌برداری از آب، زمین، درخت و سایر منابع در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه بر اساس جنسیت تعیین می‌شود، هرچند با توجه به موضوع نقش‌ها و تقسیم کار جنسیتی از منطقه‌ای به منطقه‌ای دیگر و براساس تنوع طبقات اجتماعی و عقاید گروهی و مذهبی فرق می‌کند (Eckman, 2001:132).

در اغلب کشورها، تعداد وظایف مردان در دوران جوانی و بزرگسالی زیاد است، ولی وظایف آنان با تغییر سن تغییر می‌کند. به طور مشابهی، کار دختران و زنان در سنین پایین آغاز و مسئولیت‌های آنان با بزرگ‌تر شدنشان افزایش می‌یابد. زنان در بزرگسالی کاملاً به سمت فعالیت‌های تولیدی کشیده می‌شوند و حتی در سال‌خوردگی نیز مشغول تولید هستند (همان: ۱۳۴).

غالباً مسئولیت کارهای ضروری تکراری که باید به‌طور منظم انجام گیرد با زنان است، در حالی که مردان کارهایی انجام می‌دهند که نیاز به خلاقیت دارد و می‌توان

سر فرصت به آنها پرداخت. این نوع تقسیم کار اغلب وابسته به آن است که زنان را به طور طبیعی قادر به انجام کارهایی مثل نظافت، بچه‌داری، آشپزی و ... می‌دانند (ابوت و کلر، ۱۳۸۰: ۱۲۸).

در بسیاری از جوامع، زنان بدون دریافت مزد، امور تغذیه، ایمن‌سازی، نظافت، بهداشت، مدیریت، زیباسازی و برگزاری مراسم و جشن‌ها را بر عهده دارند، در حالی که مردان در کارهای رسمی که به آنان مزد پرداخت می‌شود، فعالیت‌های سیاسی و شوراهای محلی اشتغال دارند (خانی، ۱۳۸۵: ۸۷).

زنان در جوامع در حال توسعه تابع سنت‌های رایج در فرهنگ محلی هستند که تقسیم کار سنتی و اجباری را بر آنان تحمیل کرده است. توزیع نابرابر قدرت، منابع و مسئولیت‌ها بین مردان و زنان از رهگذر سنت‌های کهن نهادینه شده و حتی در افکار خود زنان ریشه دوانیده و به صورت قانون درآمده است. در کشورهای جهان سوم، زنان به طور متوسط ۱۲ تا ۱۸ ساعت و مردان ۲ تا ۱۲ ساعت کار می‌کنند. مطالعات بازار کار زنان در آسیا نشان می‌دهد که زنان ساعات کار طولانی، دستمزد کم و شرایط پست و مشاغل بدون ترقی دارند (هورتن، ۱۳۸۴: ۲۴).

هرچند این نحوه تقسیم کار نشان‌دهنده چند بعدی بودن وظایف زنان در مقابل اشتغال مردان در یک فعالیت اقتصادی اصلی است، اما این مسئله بسیاری از فرصت‌های حضور اجتماعی را از زنان می‌گیرد (ابوت و کلر، ۱۳۸۰: ۱۷۳).

از آنجا که زنان هم در واحد اقتصادی کار می‌کنند و هم تمامی کارهای خانه و نگهداری کودکان را برعهده دارند، هریسون اعتقاد دارد که آنان دارای روز مضاعف هستند (رئیی مبارکه، ۱۳۷۶: ۲۶). برآوردهای به عمل آمده نشان می‌دهد ارزش اقتصادی تولیدات خانگی در اکثر کشورهای جهان معادل ۵۰-۳۰ درصد به تولید ناخالص ملی اضافه می‌کند (مردوخی، ۱۳۷۶: ۱۰۹).

در برخی کشورها که دختران به تحصیلات مناسب دسترسی دارند به عنوان گروه‌های هدف تبعیض جنسیتی محسوب نمی‌شوند، اما وقتی دسترسی به تحصیلات و

آموزش‌های حرفه‌ای برای دختران محدود است، این امر موجب جذب نابرابر آنان در بخش‌های غیررسمی و فعالیت‌های حاشیه‌ای اقتصادی می‌شود و عدم مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی به زنان تحمیل می‌شود (ILO, 2001: 14).

ملاحظه می‌شود که در نظریات جنسیتی پایگاه فرضی زنان در خانه و در جامعه در نظر گرفته می‌شود و از این طریق با مقایسه وضعیت زنان سعی بر توجیه وضعیت موجود می‌شود. منطق استدلال این نظریات بر نابرابری جنسیتی در بازار کار و توانایی کمتر زنان برای کسب درآمد استوار است.

نکته اصلی و مهم نظریه‌های جنسیتی این است که موقعیت تابعی زنان در بازار کار و خانه و خانواده با یکدیگر مرتبط و جزئی از یک سیستم کلی اجتماعی است که در آن زنان تابع مردان هستند (کار، ۱۳۷۳: ۲۴).

### جنسیت و زنان روستایی

علی‌رغم فعالیت‌های روزانه زیاد و شرکت زنان روستایی در فرآیند تولید و مشارکت در اقتصاد خانواده به دلیل دستمزدی نبودن کار زنان، فعالیت‌های آنان جزو فعالیت‌های اقتصادی به حساب نمی‌آید و اهمیت یافتن کاری که در عرصه عمومی و اقتصادی انجام می‌شود یعنی کار مزدی در برابر کار خانگی بدون مزد زنان موجب می‌شود این تصویر کلیشه‌ای حاکم شود که کارهای مهم همیشه به وسیله مردان انجام می‌گیرد. این باور جنسیتی که ملاک تقسیم کار اجتماعی در روستا است باعث می‌شود تا مردان به نتایج حاصل از فعالیت زنان اهمیتی ندهند و امتیازات کمتری برای آنان قائل شوند. چنان که تاکنون از نظر حقوق و کسب فرصت‌های اجتماعی زنان پایین‌تر از مردان بوده‌اند. این امر خود موجب می‌شود که هم مردان و هم زنان در زمینه تغییراتی که باید برای بهبود زندگی زنان صورت گیرد، اهمیتی قائل نشوند و یا موضعی انفعالی در پیش گیرند. نتیجه امر آن می‌شود که زنان به دنبال آینده حرفه‌ای نباشند، از خدمات و برنامه‌های محدود ارائه شده برای آنان بی‌بهره بمانند، دچار کمبود اطلاعات و آگاهی



شوند و خود به خود از صحنه‌های اجتماعی و مشارکت مؤثر و فعال در جامعه باز بمانند (حاجیلو، ۱۳۸۴: ۴۷).

مطالعه انجام شده در مورد وضعیت کار روزانه و اشتغال زنان روستایی در ایران نشان می‌دهد جنسیت متغیر مهمی در تعیین نقش، مسئولیت، محدودیت، فرصت، درآمد، هزینه و منافع زندگی کشاورزی تلقی می‌شود. کار مزرعه مکمل وظیفه خانه‌داری زنان است و به عبارت دیگر، کار اقتصادی مخلوط با کارهای روزمره خانه و غیرمزدی است. به علاوه، ساعات اشتغال زنان طولانی‌تر از مردان است. زنان ۱۸ ساعت از اوقات خود را در برابر ۳ ساعت کار مردان صرف فعالیت‌های مختلف می‌کنند، لذا فرصت‌های حضور در اجتماع برای آنان محدودتر است و بدین ترتیب، تقسیم جنسیتی نقش‌ها شدت می‌یابد. علاوه بر تمامی آنچه ذکر شد، رسوخ فرهنگ شهری به روستا و گسترش خانوارهای هسته‌ای بر فشار کار بر مادران و همسران خانواده می‌افزاید (خانی، ۱۳۸۰: ۱۳۸).

از سوی دیگر، مسئله مهم و جدیدی که کمتر به آن توجه می‌شود، عبارت از این است که امکان ادامه تحصیل برای جمعیت مؤنث روستایی باعث می‌شود کار و فعالیت کشاورزی با ابقای شرایط کنونی قادر به جذب نیروی کار نسل جوان نشود، لذا نیاز به اشکال جدیدی از فعالیت که از جاذبه کافی برای آنان برخوردار باشد و از سوی دیگر با انتظارات و فرهنگ روستایی سازگار باشد، احساس می‌شود (همان).

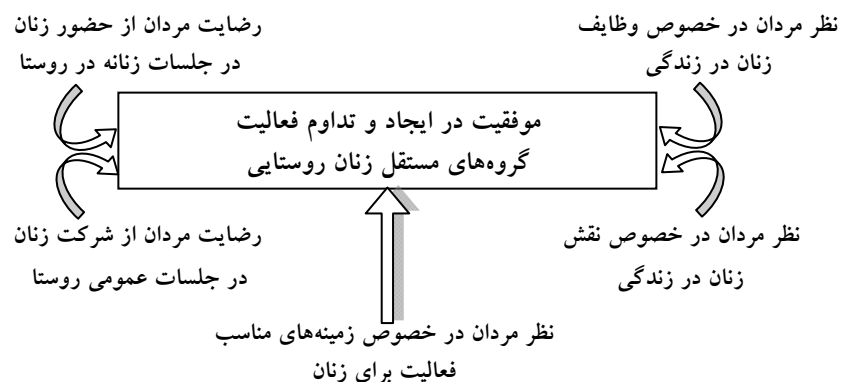
هرچند به ظاهر هیچ تفاوتی از بابت جنسیت در نظریه پردازی و برنامه‌ریزی برای توسعه و مشارکت روستایی وجود ندارد، ولی نحوه نگرش سازمان‌های متولی امر توسعه روستایی به مسئله زنان تحت تأثیر نقش‌ها و روابط جنسیتی قرار دارد که در ماهیت پروژه‌ها انعکاس می‌یابد و در کنار آن رسوم و سنت‌های حاکم بر زندگی اجتماعی روستایی شرایطی را ایجاد می‌کند که مانع از مشارکت فعال زنان می‌شود.

اکثر صاحب‌نظران امر توسعه توانمندسازی زنان را رهیافت مناسبی برای ارتقای قابلیت زنان می‌دانند؛ این امر می‌تواند در جهت تغییر ساختارها و

ایدئولوژی‌هایی که زنان را در موقعیت فرودست قرار می‌دهند مؤثر باشد. این فرآیند (توانمندسازی) به زنان کمک می‌کند تا دسترسی بیشتری به منابع و تصمیم‌گیری‌ها داشته باشند و به طور کلی بر زندگی خود نظارت بیشتری یابند تا به استقلال و خوداتکایی برسند. نتیجهٔ چنین مراحل احترام به خود و ارتقای منزلت زنان خواهد بود (خانی، ۱۳۸۵: ۱۲۳).

توانمندسازی یک فرآیند سیاسی است که هدفش تغییر تمامی روابط سلسله‌مراتبی جامعه است (شجاعی، ۱۳۸۱). تغییر الگوهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی‌ای که مردان را در تمام امور بر زنان مسلط می‌کند، زیربنای تحولات بنیادی در وضعیت زنان را تشکیل می‌دهد (خانی، ۱۳۸۵: ۱۲۴).

کم‌رنگ شدن نگرش‌های منفی و باورهای جنسیتی کلیشه‌ای حاکم بر روستا گام نخست در جهت افزایش مشارکت و فعالیت اجتماعی زنان به شمار می‌رود که در نهایت کسب قدرت، اعتماد به نفس و استفاده از فرصت‌های مناسب به وجود آمده در مسیر توسعه روستا را به همراه خواهد داشت. در این مقاله، با توجه به نظریات مطرح شده و با استناد به بخشی از نتایج تحقیق انجام گرفته در خصوص عوامل مؤثر بر موفقیت در ایجاد و تداوم فعالیت گروه‌های مستقل زنان روستایی توسط تسهیلگران زن مدل پژوهشی زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد:



### پیشینه تحقیق

در جستجوی پیشینه برای انجام بررسی‌هایی در این زمینه و به‌ویژه در خصوص تأثیر نگرش، دیدگاه و نظرات مردان روستایی برای انجام فعالیت‌های اجتماعی زنان در روستا، هرچند تحقیقات مستقلی در این زمینه یافت نشد، اما در نتایج چندین پژوهش مربوط به ترویج و توسعه روستایی از نگرش و تقسیم کار جنسیتی به عنوان عوامل اثرگذار بر امر توسعه و ترویج روستایی نام برده شده است.

بر اساس نتایج تحقیق ایروانی در خصوص توانایی زنان روستایی برای به‌کارگیری منابع توسعه بر اساس معیارهای یونیسف در توان سنجی زنان پنج معیار رفاه، دسترسی به منابع، آگاهی، مشارکت و کنترل که به صورت یک سیستم عمل می‌کنند، باید فراهم شوند و هر یک از عناصر آن تعامل مناسب با سایر عوامل بیابد تا زنان بتوانند از برنامه‌های توسعه توانمندسازی بهره‌مند شوند (ایروانی، ۱۳۷۲).

نتایج تحقیق نوروزی که با هدف شناسایی عوامل مؤثر در مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های توسعه روستایی صورت گرفت، نشان می‌دهد زنان باسواد و برخوردار از همسرانی باسواد مشارکت بیشتری در برنامه‌های توسعه روستایی داشته‌اند (نوروزی، ۱۳۷۶).

بررسی قشقایی جهت تبیین نقش سازمان‌های غیردولتی در اداره امور عمومی کشور نیز حاکی از آن است که ایجاد کارگاه‌های آموزشی در امر هدایت مشارکتی، به‌ویژه برای زنان و جوانان، در جهت‌دهی و جلوگیری از بی‌هویتی یا خنثی بودن جوانان نسبت به مسائل اجتماعی مؤثر بوده است (قشقایی، ۱۳۸۰).

### روش‌شناسی

اطلاعات جمع‌آوری شده در این تحقیق رفتارهای جامعه‌مورد بررسی را توصیف می‌کند و لذا از نوع تحقیقات پیمایشی به شمار می‌رود. ابزار اصلی به‌کار رفته در گردآوری اطلاعات پرسشنامه است و سؤالات آن با توجه به اهداف بررسی طراحی

شده‌اند. محقق با استفاده از فن مصاحبه رو در رو به جمع‌آوری نظرات مخاطبان در محل زندگی آنان پرداخته است. معنی‌داری روابط جهت بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته (تحقیق همبستگی) صورت گرفته است. روایی ابزار صوری و پایایی آن با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ ۰/۸۸ محاسبه شده است.

متغیرهای مستقل مورد نظر در این مقاله شاخص‌های مربوط به نظر مردان در خصوص وظایف، نقش و زمینه‌های مناسب فعالیت‌های زنان، رضایت آنان از حضور زنان در جلسات زنانه و جلسات عمومی روستا بوده که در مقیاس رتبه‌ای مورد بررسی قرار گرفته است.

متغیر وابسته، موفقیت در ایجاد و تداوم فعالیت گروه‌های مستقل زنان روستایی است که بر اساس شاخص‌های تعداد جلسات زنانه برگزار شده برای انجام فعالیت‌های مشارکتی و گروهی، حضور در جلسات تصمیم‌گیری، برخورداری از حمایت‌های زنان روستایی در انجام و سازمان‌دهی فعالیت‌های مشارکتی و گروهی، تعداد فعالیت‌های مشارکتی در طول یک سال (سال قبل از تاریخ انجام پژوهش)، شیوه برخورد با مشکلات در انجام فعالیت‌های مورد نظر و شیوه برقراری ارتباط بین زنان روستایی با تسهیلگر مورد بررسی قرار گرفته است. تجزیه و تحلیل داده‌ها با توجه به مقیاس سنجش متغیرها و با استفاده از نرم افزار SPSS صورت پذیرفته است. برای تأیید یا رد فرضیات، بررسی و آشکارسازی روابط بین متغیرها با آزمون تک‌تک متغیرهای تعریف شده صورت گرفته است.

### جامعه آماری و حجم نمونه

در این تحقیق کلیه تسهیلگران سازمان‌دهنده این گروه‌ها در روستاهای آذربایجان شرقی که توانسته بودند در مدت یک سال (قبل از تاریخ انجام پژوهش) دست کم یک فعالیت گروهی زنان را سازمان‌دهی و اجرا کنند به عنوان جامعه آماری انتخاب شدند. بررسی‌ها نشان داد که این افراد در روستاهای واقع در شش شهرستان (تبریز، سراب،

اسکو، میانه، مرند و جلفا) فعالیت دارند. به دلیل محدودیت جامعه مورد نظر (۳۲ نفر تسهیلگر واجد شرایط از میان تسهیلگران منطقه مورد بررسی)، از روش تمام‌شماری در بررسی جامعه مورد نظر استفاده شد.

### یافته‌های پژوهش

نتایج حاصل در دو بخش توصیفی و استنباطی بررسی می‌شود. هدف تحلیل توصیفی، معرفی ویژگی‌های نمونه مطالعه شده است. از سوی دیگر، در بخش استنباطی رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته بررسی شده و صحت فرضیه‌های تحقیق مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

### توصیف داده‌ها

- ۱- نظر مردان نسبت به وظایف زنان در زندگی: نتایج به دست آمده حاکی است که در ۶۴٪ موارد پاسخگویان معتقدند زن علاوه بر انجام وظایف خانگی و بچه‌داری باید در تولید نیز معین خانواده باشد. ۲۰٪ پاسخ‌های ارائه شده وظیفه اصلی زن را تمکین از همسر و فراهم کردن آسایش مرد و فرزندان عنوان کرده‌اند و ۱۶٪ نیز معتقد بودند مردان طالب مشارکت زنان در همه امور زندگی روستایی هستند.
- ۲- نظر مردان نسبت به نقش زنان در زندگی: بررسی پاسخ‌های ارائه شده مؤید این نکته است که ۳۲٪ مردان هیچ تفاوتی بین زن و مرد در ایفای نقش در تولید اقتصادی و سایر زمینه‌های زندگی روستایی نمی‌بینند. در ۲۸٪ موارد پاسخ‌ها حاکی از آن است که زنان نقش اصلی و محوری در خانواده دارند و در تولید و معیشت نیز معین مردان هستند. در حقیقت، ۶۸٪ پاسخگویان علاوه بر ایفای نقش خانگی برای زنان به ایفای نقش زنان در تولید نیز اذعان کرده‌اند. ۲۰٪ پاسخ‌ها حکایت از محوریّت مردان دارد و به نقش تابعی زنان در زندگی روستایی اشاره می‌کند.
- ۳- نظر مردان نسبت به حضور زنان در جلسات زنانه در روستا: در ۸۰٪ از موارد موافقت مردان با تشکیل جلسات زنانه برای انجام فعالیت‌های گروهی زنان عنوان شده است و ۲۰٪ در این خصوص نظری نداشته‌اند.

- ۴- نظر مردان در خصوص زمینه‌های مناسب برای انجام فعالیت‌های گروهی زنان: امور فرهنگی و مذهبی و فعالیت جهت حل مشکلات زنانه در روستا زمینه مناسب جهت فعالیت برای زنان از سوی ۵۶٪ پاسخگویان اعلام شده است. ۲۰٪ امور هنری و تولیدی و ۲۴٪ نیز همه زمینه‌ها را (بدون محدودیت) مناسب برای فعالیت زنان اعلام کرده‌اند. نکته مهم و قابل توجه این است که در هیچ‌یک از پاسخ‌ها اشاره‌ای به عدم ضرورت فعالیت گروهی زنان در روستا نشده است.
- ۵- رضایت مردان از مشارکت زنان در جلسات عمومی روستا: ۴۰٪ پاسخگویان موافق مشارکت زنان در مسائل روستا بوده‌اند. در ۲۰٪ از موارد پاسخگویان نظری در این مورد نداشته‌اند. ۱۶٪ مردان کاملاً مخالف و ۲۴٪ نیز مخالف، یعنی در مجموع ۴۰٪ مردان با مشارکت زنان در این زمینه موافق نبوده‌اند.

#### تحلیل روابط بین متغیرهای مستقل و وابسته

در این بخش، رابطه متغیرهای مستقل با متغیر وابسته تحقیق (ایجاد گروه‌های مستقل زنان) مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به سطح سنجش متغیرها، از آزمون تحلیل واریانس استفاده شده است و در آزمون‌های به عمل آمده تأیید فرضیه صفر ( $H_0$ ) به معنی نبود رابطه بین متغیر مستقل و متغیر وابسته است. میزان خطای نوع اول ۱٪ در نظر گرفته شده است. جدول ۱ خلاصه نتایج محاسبات آماری بر روی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. علامت + نشانه معنی‌داری آزمون انجام یافته و وجود رابطه بین متغیر مستقل و وابسته است.

در خصوص «رابطه بین نظر مردان نسبت به وظایف زنان با متغیر وابسته» نتیجه به‌دست آمده نشان می‌دهد F مربوطه در تحلیل واریانس معنی‌دار نیست؛ بنابراین، رابطه‌ای بین دو متغیر وجود ندارد. این مسئله حاکی از آن است که از نظر اکثر مردان روستایی وظایف زنان در زندگی تربیت و مراقبت از کودکان، اطاعت و تمکین از همسر، فراهم کردن وسایل آسایش در خانواده و کمک در تولید و معیشت است، و رابطه معنی‌داری بین این نظر و موفقیت در ایجاد گروه‌های مستقل زنان وجود ندارد.

تحلیل واریانس در مورد «رابطه بین نظر مردان نسبت به نقش زنان در زندگی با متغیر وابسته» در سطح احتمال ۰/۰۰۵ رابطه معنی‌داری را بین متغیرهای مورد بررسی نشان داد. برای بررسی چگونگی این رابطه آزمون تعقیبی صورت گرفت و نتیجه به دست آمده نشان داد رابطه مورد نظر ناشی از اختلاف بین گروهی است که هیچ تفاوتی بین زن و مرد در زندگی قائل نیستند با گروهی که فقط نقش خانگی برای زنان تعریف کرده‌اند. در حقیقت، زمانی که مردان معتقدند در زندگی و تولید بین زن و مرد روستایی تفاوتی وجود ندارد، زمینه مساعدتری برای انجام فعالیت‌های اجتماعی زنان وجود دارد و عملاً امکان بیشتری برای ایجاد گروه‌های مستقل زنان فراهم می‌شود.

بررسی «رابطه نظر مردان نسبت به حضور زنان در جلسات زنانه با متغیر وابسته» حاکی از رد فرضیه صفر و وجود رابطه معنی‌دار بین متغیرها در مورد این فرضیه است. سطح احتمال ۰/۰۰۵ می‌باشد و آزمون تعقیبی اختلاف را بین موافقان و گروه پاسخگویان بی‌نظر نشان می‌دهد، یعنی زمانی که مردان روستایی با حضور زنان در جلسات بر پا شده توسط تسهیلگر (برای زنان) موافقت کامل داشته‌اند، ایجاد گروه‌های مستقل و انجام فعالیت‌های مشارکتی زنان با موفقیت همراه بوده است. در حقیقت، چنین به نظر می‌رسد که موافقت مردان در ترغیب زنان به شرکت در جلسات و اجرای فعالیت‌های گروهی نقش مهمی داشته است.

بررسی «رابطه بین نظر مردان نسبت به زمینه‌های مناسب فعالیت گروهی زنان با متغیر وابسته» نشان می‌دهد در سطح احتمال ۰/۰۰۳ فرضیه صفر رد می‌شود، یعنی رابطه معنی‌داری بین متغیر مستقل و وابسته وجود دارد. آزمون تعقیبی صورت گرفته در این زمینه تفاوت معنی‌داری را نشان می‌دهد که ناشی از اختلاف نظر گروهی که فعالیت جمعی زنان را صرفاً در امور فرهنگی و مذهبی لازم می‌دانند با گروهی است که فعالیت را در همه امور روستا ضروری می‌دانند. این بدان معنی است که موافقت مردان با انجام فعالیت اجتماعی زنان در همه زمینه‌ها و محدود نکردن آنان به انجام فعالیتی خاص، در موفقیت برای ایجاد گروه‌های مستقل زنان تأثیرگذار بوده است.

آزمون فرضیه برای بررسی «رابطه بین نظر مردان نسبت به مشارکت زنان در جلسات عمومی روستا با متغیر وابسته» در سطح احتمال ۰/۰۵ تفاوت معنی‌داری را بین گروه‌های مورد بررسی نشان نمی‌دهد. این امر به معنای تأیید فرضیه صفر و نبود رابطه بین متغیر مستقل و وابسته در این سطح از بررسی است.

جدول ۱- نتایج محاسبات آماری متغیرهای پژوهش

ارتباط بین متغیرها	تحلیل واریانس			متغیر مستقل مورد بررسی	ردیف
	رابطه مستقیم	رابطه عکس	ANOVA		
-			۰/۴۶۹	نظر مردان نسبت به وظایف زنان	۱
+	۰/۰۰۸	+	۰/۰۰۵	نظر مردان نسبت به نقش زنان	۲
+	۰/۰۰۵	+	۰/۰۰۵	نظر مردان نسبت به حضور زنان در جلسات زنانه	۳
+	۰/۰۰۲	+	۰/۰۰۳	نظر مردان نسبت به زمینه مناسب فعالیت گروهی زنان	۴
-			۰/۰۵	نظر مردان نسبت به مشارکت زنان در همه امور روستا	۵

نگاهی به معنی‌داری روابط مربوط به پنج متغیر مورد بررسی نشان می‌دهد که از بین عوامل مورد بررسی، نظر مردان در خصوص وظایف زنان در زندگی و همچنین نظر آنان نسبت به مشارکت زنان در تصمیم‌گیری و ارائه راه‌حل‌های مربوط به کلیه امور در روستا با متغیر وابسته رابطه معنی‌داری ندارد، ولی نظر مردان نسبت به نقشی که زنان در زندگی دارند و همچنین زمینه‌های مناسب برای انجام فعالیت گروهی زنان و رضایت مردان از شرکت زنان در جلسات تصمیم‌گیری برای انجام فعالیت‌های گروهی زنانه بر فعالیت‌های مشارکتی زنان تأثیر می‌گذارد.

بدین ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت وقتی مردان روستایی به هیچ تفاوتی بین زن و مرد در امور تولید و زندگی خانوادگی در روستا قائل نیستند و معتقدند فعالیت گروهی زنان در همه امور روستا لازم است و با حضور زنان در جلسات برنامه‌ریزی و



تصمیم‌گیری برای انجام فعالیت‌های گروهی کاملاً موافق‌اند، زنان روستایی نیز در انجام فعالیت‌های مشارکتی و گروهی موفقیت بیشتری دارند.

### بحث و نتیجه‌گیری

خنثی‌گرایی یا بی‌تفاوتی جنسیتی در برنامه‌های توسعه انسان‌محور نهایتاً به تبعیض میان زنان و مردان می‌انجامد، زیرا این دو از موقعیتی متوازن و برابر در ابتدای راه برخوردار نیستند. این موضوع در مورد وضعیت زنان روستایی شکل خاص و اهمیت مضاعف می‌یابد، زیرا با وجود اینکه نیمی از جمعیت فعال روستایی را زنان تشکیل می‌دهند و نقش قابل ملاحظه‌ای در تولید ناخالص ملی دارند، ولی به دلیل شرایط خاص فرهنگی و مذهبی، آنان مشارکت اجتماعی فعال ندارند و همواره در حاشیه برنامه‌های توسعه قرار می‌گیرند، لذا در برنامه‌ریزی‌های توسعه روستایی به این موضوع باید با دقت بیشتری پرداخت.

از آنجا که در فرهنگ روستایی اجازه مرد خانواده برای انجام هرگونه فعالیتی ضروری است، لذا به نظر می‌رسد جهت افزایش مشارکت فعال و حرکت‌های اجتماعی زنان و سوق دادن آنان به سمت فعالیت‌های مشارکتی و گروهی، لازم است تغییراتی در نظرات و دیدگاه‌های کلیشه‌ای مردان نسبت به فعالیت‌های زنان صورت گیرد.

نتایج حاضر که از پژوهش برای بررسی عوامل مؤثر بر موفقیت تسهیلگران زن در ایجاد گروه‌های مستقل زنان در آذربایجان شرقی استخراج شده است، نشان می‌دهد: تلقی مردان از نقش زنان در زندگی تأثیر مهمی بر انجام فعالیت‌های مشارکتی آنان دارد. پذیرفتن زنان به عنوان محور و کانون زندگی، چه در روابط درونی خانواده و چه در معیشت و تولید، نشان‌دهنده اعتقاد به نقش مهم زنان در باور مردان است که راه را برای انجام فعالیت‌های اجتماعی زنان هموار می‌کند.

رضایت مردان از حضور زنان در جلسات زنانه برای برنامه‌ریزی و انجام فعالیت‌های مشارکتی خاطری آسوده و آرامش کافی برای زنان فراهم می‌کند تا با

آرامش خاطر به تصمیم‌گیری در مورد انجام فعالیت‌های مورد نظر خود بپردازند. اعتقاد به انجام فعالیت گروهی زنان از سوی مردان پشتوانه‌ای مناسب برای انجام فعالیت‌های مشارکتی آنان تلقی می‌شود. هرچند نظرات مبنی بر مخالفت با حضور زنان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به روستا نشان می‌دهد باورهای مربوط به فرودستی زنان هنوز در فضای فرهنگی و اجتماعی روستا باقی است و انجام فعالیت‌های مشارکتی در مواردی که زنانه تلقی می‌شود مورد تأیید و موافقت مردان است، اما همین مسئله نیز فرصت مناسبی برای مشارکت زنان در محیطی را فراهم می‌کند که در آن زندگی می‌کنند و در نتیجه آنان می‌توانند برنامه‌های مشارکتی فراوانی را برنامه‌ریزی و اجرا کنند. نوروزی (۱۳۷۶) در تحقیق خود به تأثیر عامل سواد زنان و همسرانشان برای مشارکت بیشتر در برنامه‌های توسعه‌ای اشاره می‌کند. نتایج تحقیق حاضر نیز نشان می‌دهد موافقت همسران و اعتقاد آنان به برابری زنان و مردان در زندگی در انجام فعالیت‌های مشارکتی زنان مؤثر است.

ایروانی (۱۳۷۲) در تحقیق خود نیاز به پنج عامل رفاه، دسترسی به منابع، آگاهی، مشارکت و کنترل را به صورت یک سیستم در تعامل متقابل برای توانمندسازی زنان مورد تأکید قرار داده است. در مورد زنان یکی از بهترین شیوه‌های کسب این توانمندی مشارکت در گروه‌ها و تشکلهای است که پایه تحولات اجتماعی به شمار می‌روند. مشارکت در گروه‌ها موجب فعال‌سازی اندیشه، تصمیم‌گیری، اجرا و نگهداری از نتایج حاصل است. نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که موافقت و همراهی مردان در دستیابی زنان به این عوامل نقش مهمی ایفا می‌کند، ارتقای آگاهی، مشارکت و دسترسی به منابع برای زنان مستلزم شکسته شدن کلیشه‌های جنسیتی و پندارهای سنتی در مورد نقش و وظایف زنان در زندگی است. پذیرفتن نقش زنان از سوی مردان به عنوان واقعیت اجتماعی در دگرگونی این شرایط بسیار مهم است.

«افزایش ضریب مشارکت زنان و تمایلات موجود در انجام فعالیت‌های گروهی جهت کنترل کارکردها و ساختارهای کسب قدرت از اصول پایداری حرکت‌های زنان

به شمار می‌رود» (قلی‌نیا، ۱۳۸۱: ۹). تشکیل این گروه‌ها و انجام حرکت‌های زنان پیامدهای قابل توجهی به همراه خواهد داشت که شاخص‌ترین آنها عبارت‌اند از:

- ۱- برابری زن و مرد در وجهه انسانی؛
- ۲- شکسته شدن نمادهای سنتی وابسته به جنسیت و پذیرش ایجاد فرصت‌های برابر برای هر دو جنس؛
- ۳- تجربه ایفای نقش‌های مستقل اجتماعی - اقتصادی از سوی زنان روستایی؛ و
- ۴- افزایش خوداتکایی و اعتماد به نفس زنان در ایجاد زمینه تشکیل شبکه‌ها و سازمان‌های نهادمند روستایی.

و اینها همان اهداف مورد نظر در رهیافت توانمندسازی است که زیربنای تحولات بنیادی در وضعیت زنان و مشارکت آنان در فعالیت‌های توسعه قلمداد می‌شود. برای تحقق این اهداف با توجه به نتایج مطرح شده موارد زیر پیشنهاد می‌شود.

### پیشنهادها

با عنایت به نتایج به دست آمده و با توجه به تأثیر نظر مردان بر انجام فعالیت‌های اجتماعی و مشارکتی زنان، لازم است در آموزش‌های ترویجی مربوط به ارتقای مهارت‌های اجتماعی روستاییان به این مسئله توجه شود، زیرا تنها از طریق آموزش‌های فرهنگی و اجتماعی است که امکان ارتقای منزلت و جایگاه زنان در بین روستاییان و خصوصاً مردان روستایی و نیز تعدیل عناصر فرهنگی و سنتی حاکم در این جوامع فراهم می‌شود؛ امری که می‌تواند به شکسته شدن کلیشه‌های جنسیتی کمک نماید.

### یادداشت‌ها

1. Women and Development
2. Women in Development
3. Gender in Development

## منابع

- ابوت، پاملا و کلر، والاس (۱۳۸۰)، *جامعه‌شناسی زنان*. ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی.
- ایروانی، هوشنگ (۱۳۷۲)، *توانایی زنان روستایی برای به‌کارگیری منابع توسعه بر اساس معیارهای یونیسف در توان‌سنجی زنان در سال ۱۳۷۲*. تهران: وزارت جهاد سازندگی.
- حاجیلو، فتانه (۱۳۸۴)، *بررسی عوامل موفقیت تسهیگران زن در ایجاد و تداوم فعالیت گروه‌های مستقل زنان روستایی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.
- خانی، فضیله (۱۳۸۵)، *جنسیت و توسعه*. تهران: دفتر مطالعات فرهنگی و علوم انسانی.
- خانی، فضیله (۱۳۸۰)، «نقش ویژگی‌های فردی-اجتماعی در اشتغال زنان روستایی». *مجموعه مقالات سمینار زنان روستایی، مشارکت اقتصادی*. وزارت جهاد کشاورزی.
- رئیس‌ی مبارکه، سهیلا (۱۳۷۶)، *تحولات فرآیند مشارکت زنان روستایی ایران در گذار به جوامع صنعتی، گردهمایی زنان و مشارکت کشاورزی*. جلد اول، تهران: مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.
- شجاعی، زهرا (۱۳۸۱)، *مجموعه مقالات دومین همایش توانمندسازی زنان*. تهران: مرکز امور مشارکت زنان.
- صفری شالی، رضا (۱۳۸۱)، «نقش توانمندسازی اجتماعی و اقتصادی زنان در توسعه پایدار روستایی». *مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد و زنان روستایی*. تهران: وزارت جهاد کشاورزی.
- قشقایی، فرشته (۱۳۸۰)، «نقش سازمان‌های غیردولتی در اداره عمومی کشور». *مجموعه مقالات*. تهران: وزارت کشور.
- قلی‌نیا، جواد (۱۳۸۱)، *زمینه‌یابی سازمان‌های غیردولتی محلی توسط زنان روستایی*. دفتر امور زنان روستایی. معاونت ترویج، تهران: وزارت جهاد کشاورزی.
- کار، مهرانگیز (۱۳۷۹)، *زنان در بازار کار ایران*، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- کوزر، لوئیس و روزنبرگ، برنارد (۱۳۷۸)، *نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی*. ترجمه: فرهنگ ارشاد. تهران: نشر نی.
- مردوخی، بایزید (۱۳۷۶)، *بررسی نوآوری و دانایی ملی در مشارکت زنان روستایی*. تهران: مهندسین مشاور جامع ایران.
- نوروزی، عباس (۱۳۷۶)، *شناسایی عوامل مؤثر در مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های توسعه روستایی*. تهران: وزارت جهاد کشاورزی.

- 
- هورتن، سوزان (۱۳۸۴)، *زنان و صنعتی شدن آسیا*. ترجمه شهرزاد صادقی، تهران: تیشتر.
- Botchway, Karl (2001), "Paradox of empowerment". *World Development*. Vol. 29, No. 1, pp. 135-153.
- Eckman, Karlyn (2001), "Linkages between PRA and technological interventions". *Proceedings of a Workshop*. University of Minnesota, Saint Paul, Minnesota, USA.
- ILO (2001), "Generating opportunities for young people: the ILO's decent work agenda". *ILO in Focus Program Skills Knowledge and Employability*. Geneva: ILO Employment Sector.